

بررسی تربیت از دیدگاه اسلام

احمد اخلاقی (نویسنده مسئول)

دبیر آموزش و پرورش شهرستان لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران: Akhlaghi.ahd@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: به منظور پرورش کودک و تربیت اسلامی کودکان باید به حلاوت ها و زیبایی های دین تأکید کرد. کودکان باید با محبت و عشقی که خداوند به همه انسان ها مخصوصاً کودکان دارد، آشنا شوند.. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش کودکانی که والدین مذهبی دارند بهتر از دیگر کودکان رفتار می کنند و خود را با شرایط تطبیق می دهند.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود تصویر اولیه ای که والدین از بالاترین موضوع مذهبی، یعنی خداوند ایجاد می کنند، در گرایش کودک به مذهب اثر شگرفی دارد. بسیاری از والدین در برابر شیطنت های کودکان، مشکلات رفتاری و حتی رفتارهای طبیعی آن ها که خارج از حوصله خودشان است، به استفاده ابزاری از مفاهیم مذهبی روی آورده و خداوند را متهم می کنند که کودکان شلوغ را عذاب می کند و تصویر یک موجود شکنجه گر را از خداوند در ذهن کودک ترسیم می کنند، در حالی که عذاب خداوند برای مکلف گناه کار است نه کودکان.

کلیدواژه ها: تربیت، کودک، اسلام، معنویت.

مقدمه

شیوه تبلیغ انبیا این بود که با هر فردی به اندازه درک و فهم خود او سخن می گفتند [۱]، توجه به این مساله لازم است که کودکان هنوز به دوره تفکر مذهبی شخصی نرسیده اند و ذهن آن ها قدرت کافی برای درک مسائل و ادله پیچیده را ندارد و از هر استدلالی برای اثبات خداوند و یا هر جنبه ای از دین که فراتر از توانایی های ذهنی آن ها باشد، برداشت های ساده، مطلق و غیرواقعی خواهند داشت و اغلب از معنای ظاهری جملات فراتر نخواهد رفت. وقتی هم که در درک مساله شکست بخورند این شکست را متوجه استدلال و بطلان اصل مساله می دانند [۲]

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

راههای تربیت اسلامی کودکان

طبق مطالعه ای که تأثیرات دین را بر رشد و ارتقای کودکان بررسی کرده است، مشخص شده کودکانی که والدین مذهبی دارند بهتر از دیگر کودکان رفتار می کنند و خود را با شرایط تطبیق می دهند [۳] روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک). در مطالعه ای که بر روی بیش از ۱۶ هزار کودک که بیشتر آنها در سال های اولیه ی تحصیل بودند خواستند ارزشیابی کنند که کودک چه قدر بر خود کنترل دارد، چند وقت یکبار رفتار ضعیف یا نامناسب از خود نشان می دهد و آیا به خوبی به همسالانش احترام می گذارد و با آنها تعامل دارد یا نه؟ محققان نمرات به دست آمده را با اظهارات والدین مبنی بر این که چند وقت یکبار به مکان های مذهبی می روند، آیا در مورد دین با کودکان صحبت می کنند یا خیر و آیا بر سر مسائل دینی در خانه مشاجره می کنند یا نه، مقایسه کردند. نتیجه این بود: کودکانی که والدینشان به طور مرتب در مراکز دینی شرکت داشتند (به خصوص وقتی هر دوی آنها بسیار مرتب به این مراکز می رفتند) و با کودکان در مورد دین صحبت می کردند، نسبت به کودکانی که والدینشان مذهبی نبودند، هم از طرف والدین و هم از طرف مربیان نمره ی بهتری در مورد کنترل بر خود، مهارت های اجتماعی و تمایل به یادگیری کسب کردند. همچنین این پژوهش نشان داد هنگامی که والدین غالباً بر سر مسائل مذهبی بحث و مشاجره می کردند، کودکان بیشتر مشکل داشتند [۴] محققان در توجیه این یافته ها می گویند: آموزش های مذهبی و تربیت اسلامی کودکان به سه دلیل می تواند برای کودکان خوب باشد، اول این که گروه های مذهبی از والدین حمایت اجتماعی می کنند و این برای رشد مهارت های آنان مفید است. کودکانی که به این گروه های مذهبی آورده می شوند وقتی همان حرف های والدین شان را می شنوند که بزرگسالان دیگر هم آنها را تأیید می کنند، حرف های والدین شان را در خانه عمیق تر درک می کنند. دوم این که در تربیت اسلامی کودکان انواع ارزش ها و هنجارهایی که در گروه های مذهبی مبادله می شود، اغلب به فداکاری و طرفداری از خانواده گرایش دارند. این ارزش ها در شکل گیری ارتباط والدین با کودکان و در نتیجه رشد کودکان در واکنش به این ارتباط بسیار مهم هستند. در آخر سازمان های مذهبی مهارت های والدین را با معانی مقدس عجین می کنند [۵].

پرهیز از انتقاد و سخت گیری

حضرت علی (علیه السلام): الا فراط فی الملامه یشب نیران اللجاج، زیاده روی در ملامت، آتش لجاجت را شعله ور می کند. انتقاد و سخت گیری بی مورد نه تنها تربیت اسلامی کودکان را مورد خدشه قرار می دهد، بلکه موجب مشکلات روحی و روانی نیز می گردد [۶].

جلوگیری از ادامه و تثبیت تفکر خام مذهبی برای تربیت اسلامی کودکان

کودکان در سنین خردسالی از طریق تخیل، نمادسازی و الگوسازی به تفکر می پردازند. آن ها برای بیان احساس ترس و اضطراب خود، آن را به شکل غول و هیولا به تصویر می کشند و موجودات خوب و دوست داشتنی را به صورت فرشته و امثال آن ترسیم می کنند، به منظور نزدیک تر کردن درک و تفکر کودکان به حقایق چنین مفاهیمی، باید آن ها را به تجارب محدود کودکان خودشان ارجاع داد، به عنوان مثال وقتی کودک از والدین خود درباره مکان، اندازه و شکل خداوند سوال می کند باید در پاسخ او با بیان های سلیبی گفته شود: خدا مثل ما نیست که دست و پا داشته باشد، در خانه ای زندگی کند یا قابل دیدن و لمس کردن باشد [۷]. رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی). چنین پاسخی هم به زدوده شدن مفاهیم خام موجود در ذهن کودک کمک می کند و هم سوال و کنجکاوی و میل درونی کودک به کشف حقایق دینی باقی مانده و ادامه آن به کشف درونی دین منجر خواهد شد [۸].

مراحل سه گانه تربیت کودک

از پیامبر (ص) روایت است که فرمود: فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر است. [۹] این بدان معناست که انسان در هر سنی نوعی واکنش نشان تربیت امری فرآیندی است و در تمام مدت عمر اتفاق می افتد، اما هر چیزی دارای بهترین زمان است و بهترین زمان تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است. در این دوره کودک همانند خشت خام است که هر نقشی را به خود می گیرد. از این رو سفارش بسیاری برای تادیب کودکان در این دوره بیان شده است. امیرمومنان علی (ع) به امام حسن (ع) سفارش می کند که این زمان بهترین زمان تربیت و تادیب کودکان است، چنان که شیوه و سیره تربیت آن حضرت (ع) این بوده که در کودکی اقدام به تربیت و تادیب فرزندانش کرده است. آن حضرت در وصیت به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: «دل جوان، مانند زمین کشت نشده است، آنچه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آنکه دلت سخت گردد و عقلت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم». [۱۰].

از پیامبر (ص) روایت است که تربیت پیش از تولد آغاز می شود: «ادبو الولادکم فی بطون امهاتهم قیل: وکیف ذلک یا رسول الله؟ قال: باطعامهم الحلال، «فرزندان را در رحم مادرانشان تربیت کنید. سوال شد: این چگونه است، ای رسول خدا؟ فرمودند: با خوراندن غذای حلال به مادرش. [۱۱]

آن حضرت (ص) همچنین فرمان می دهد که: من ولد له مولود فیلوداً فی اذنه الیمنی باذان الصلاه ولیقم فی الیسری فانها عصمه من الشیطان الرجیم، به هر کس فرزندی داده شود، باید در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگوید، چرا که مایه ایمنی از شیطان رانده شده است. [۱۲]

بنابراین نباید گذاشت شخصیت کودک شکل گیرد و آن گاه اقدام به تربیت و تادیب کرد. این سادگی است که کودک را رها کنیم تا به حال خودش باشد و آن گاه پس از شکل گیری شخصیت اقدام به تربیت و تادیب کنیم. برخی از مردم حتی مومنان، دختران خردسال را با وضعی نامناسب به اجتماعات می برند و لباس های نامناسب به می دهد. اگر در کودکی مسلط است و با طنازی و شیرین زبانی خود بر شما حکومت می کند. در هفت سال دوم موجودی فرمانبردار است. در این دوره است که می بایست آموزش های تربیتی دقیق ببیند، چون جامعه پذیری و رفتارهای اجتماعی را از طریق تقلید و پیروی از شما در این دوره یاد می گیرد پس باید در این دوره به او آموزش های دقیق داد تا در دوره وزارت در کنار شما همان رفتارهای مناسب و هنجاری را در پیش گیرد [۱۳].

امام صادق(ع) درباره شیوه تربیتی که خودشان بر آن عمل می‌کردند و سیره خاندان ایشان بود، می‌فرماید: انا نامرصبیاننا بالصلاه و الصیام ما اطاقوا اذا كانوا ابناء سبع سنین، ما هنگامی که کودکان مان هفت ساله می‌شوند به اندازه ای که طاقت دارند آنان را به انجام نماز و روزه فرمان می‌دهیم [۱۴]

این بدان معناست که تربیت کودک و تادیب آنان نسبت به هنجارهای دینی و اجتماعی و آداب قومی و مذهبی می‌بایست از همان آغاز با توجه به توان و قدرت آنها شروع شود و این گونه نباشد که آنان را تا زمان بلوغ کامل رها کرده و سپس یک شبه از آدم بالغ بخواهیم همه این تکالیفی که تا دیروز ترک کرده بود، انجام دهد و به چیزی که عادت نداشته عمل کند و پایبند آن باشد [۱].

امام سجاده(ع) بر این باور است که تربیت کودک بسیار سخت و دشوار است. از این رو تنها با یاری خداوند است که می‌توان تربیت هنجاری را انجام داد. آن حضرت(ع) می‌فرماید: اللهم.. اعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برهم، خدایا مرا بر تربیت، ادب آموزی و نیکی کردن به فرزندانم یاری فرما. [۲]

همه تلاش والدین و اولیای مربیان باید بر این قرار باشد که کودک را در دوره کودکی و نوجوانی به خوبی تربیت کنند. پیامبر(ص) می‌فرماید: اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفرلکم، فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. [۳]

دوری از خشونت در تربیت

برای تربیت نیاز نیست که از روش‌های خشونت بار استفاده کرد زیرا این روش همواره نتیجه عکس می‌دهد، بلکه باید با روش محبت و تکریم و احترام به آنان، در تربیت و تادیب آن کوشید. پیامبر(ص) در این باره می‌فرماید: لاتضربه واهجره ولاتطل، کودک را نزن، بلکه با او قهر کن، ولی نه به مدت طولانی. [۴]

امیرمومنان نیز در این باره می‌فرماید: لادب مع غضب، با خشم، تربیت ممکن نیست. [۵] پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) این شیوه آموزش را در پیش گرفته بودند. در روایت است که پیامبر هر روز صبح بر سر فرزندان و نوادگانشان دست نوازش می‌کشیدند. [۶]

ایشان دیگران را نیز سفارش می‌کرد که این شیوه را برای تربیت کودکان خود در پیش گیرند: احبوا الصبیان وارحموهم و اذا وعدتموهم شیئا ففوا لهم فانهم لایدرون الا انکم ترزقونهم، کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید وفا کنید، زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می‌دانند. [۷] اگر قرار است چیزی را به کودکان آموزش دهیم، بهترین آنها اموری است که رسول اکرم(ص) می‌فرماید: ایشان در این باره می‌گوید: ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن، فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانشان و قرائت قرآن. [۸]

موعظه بهترین روش تربیت

وعظ به مثابه یک روش تربیتی تأثیرگذار، همواره شیوه ای قدیمی و مرسوم در سنت‌های دینی است که برای تأثیرهای روانی و معنوی از آن سود می‌بردند. یکی از عمده‌ترین شیوه‌های عمومی پیامبر(ص) استفاده از وعظ برای راهنمایی مردم بود، به‌ویژه پیامبر برای صحابه‌ای که به لحاظ شناخت و عواطف به ایشان نزدیکتر بودند، از این روش استفاده می‌کرد. برخی از این موعظه‌ها مانند موعظه‌ها و وصایای پیامبر برای حضرت علی(ع) و ابوذر تا زمان ما باقی مانده است. این شیوه در رفتار ائمه معصوم(ع) نیز مشاهده می‌شود و تعبیرهایی همچون زنده شدن در مورد موعظه به کار رفته است: «أحي قلبك بالموعظة: قلبت را با موعظ زنده کن» [۹] شاید همه تعبیرها در ادبیات ائمه اطهار(ع) به صورت «زنده کردن» یا «زنده شدن» نیامده است، بلکه تعبیرهایی که ارزش بالایی دارند، بدانها احیاء و زنده شدن اطلاق می‌شود. علی(ع) می‌فرمایند: اگر خواستید دلتان را زنده کنید، از موعظه استفاده نمایید. این سخن، اهمیت، ارزش و سطح تأثیرگذاری این شیوه را می‌رساند. از این رو، موعظه را می‌توان اینگونه تعریف کرد که هرگاه کارهای نیک و حقایق بدیهی طوری یادآوری شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان،

رقت پیدا کند و در نتیجه، تسلیم آن حقایق گردد و به عبارت دیگر، سخنی که دل‌های سخت را نرم سازد و کردار زشت را نیکو گرداند [۱۰].

بر اساس توصیف قرآن از انسان، او موجودی است که با رنگ (فطرت) الهی آفریده شده است و این رنگ‌آمیزی بر جان او نشسته است، اما از آنجا که او درگیر اشتغال‌های فراوانی است، بنابراین، فراموشی به او دست می‌دهد: (إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا) (المزمل / ۷). از این رو، یادآوری یا ذکر که موعظه نیز نوعی از آن است، سودمند می‌باشد. فراموشی در انسان گاهی عمداً و گاهی ناشی از مشغول بودن است، زیرا پرداختن به یک شأن، او را از پرداختن به دیگر شئون باز می‌دارد. بنابراین، گاه باید آنچه که فرد به آن علم دارد، برای او بازگفت، به عبارت دیگر، انسان همیشه نیازمند حرف تازه نیست و مشکلات تربیتی او نیز همیشه زاده ندانستن و برخوردار نبودن از علم نمی‌باشد. البته این طور نیست که همه مشکلات با علم و دانش‌ورزی چاره شود، بلکه بخشی از مشکلات زاده فراموشی و غفلت نسبت به جنبه‌های شهودی و وجدانی است [۱۱]. علم و دانش همیشه در وجود انسان شاداب و زنده نیست و گاهی اثر خود را از دست می‌دهد و رنگ می‌بازد و از این رو، رغبتی برای عمل در انسان بر نمی‌انگیزد. بنابراین، موعظه نیز که گونه‌ای یادآوری است، برای طراوت و شادابی دانش، نافع است و در شنیدن و یادآوری تأثیری است که در دانستن نیست. به همین دلیل، قرآن یادآوری را برای اهل ایمان نافع و اثربخش می‌داند: (وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ: و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد) (الذاریات / ۵۵) و توصیه می‌کند در صورتی که به نافع بودن یادآوری اطمینان دارید، پس یادآوری کنید: (فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى: پس تذکر ده، اگر تذکر مفید باشد!) (الأعلى / ۹). از این رو، عنصر یادآوری در موعظه غفلت را می‌زداید [۱۲].

از تقدّم هدایت بر موعظه چنین برمی‌آید که موعظه در برخی موارد پس از انتخاب آگاهانه و پذیرش دین صورت می‌گیرد، زیرا هدایت مستلزم اختیار و آزادی است: (...وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ) (المائده / ۴۶). در آیه ۵۷ سوره یونس، قرآن موعظه‌ای دانسته شده که درمانگر دل‌هاست: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ...) (یونس / ۵۷). از آنجایی که دل مرکز عواطف است، باز هم جنبه عاطفی موعظه نمایانگر می‌شود. [۱۳] در آیه ۱۲۰ سوره هود (وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَحْنُ بِمَبْتَلِينَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ أَفِئَتُكَ يَوْمَئِذٍ بِالَّذِي هُوَ عَلَىٰ آلِهِ يَوْمَئِذٍ يَمِينٌ) از داستان‌های پیامبران سخن گفته و بیان نموده است که در آن داستان‌ها حقایق و اندرزها و یادآوری‌هایی برای تو و مؤمنان بیان شده است. تقدّم حقیقت بر موعظه و همراهی ذکر با موعظه می‌تواند حداقل بیانگر دو نکته باشد. نخست اینکه باز هم تقدّم حقایق در برابر موعظه دیده می‌شود که به نوعی استدلال یا حکمت محسوب می‌شود و دیگر آنکه ذکر به همراه موعظه آمده که بیانگر تشابه معنایی این دو مفهوم می‌باشد (با نظر به وجود واو عطف) [۱۴].

از آیه ۹۰ سوره نحل (يُعِظُكُمُ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) می‌توان استنباط نمود که نتیجه موعظه نوعی یادآوری و خودآگاهی است و سرانجام اینکه در آیه ۱۳ سوره لقمان به جنبه خیرخواهانه موعظه اشاره شده است، آنجا که لقمان عبارت «یا بُنِیَّ» را به کار می‌برد: (وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنِیَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ...)). بنابراین، موعظه قرآنی، حسنه است و از روی خیرخواهی انجام می‌گیرد [۱].

شیوه‌های مختلف روش تربیتی موعظه را می‌توان در قالب‌های مستقیم و غیرمستقیم، فردی و جمعی، داستان، تمثیل، ارائه الگوها، مشاهده کرد. موارد موعظه نیز مختلف است که از جمله می‌توان به اصلاح رابطه به خدا، باور به معاد، زهدورزی، تهذیب نفس و اصلاح روابط انسانی اشاره کرد [۲].

تأثیر باور دینی در تربیت

پیش شرط تأثیر امر و نهی والدین این است که خود آن‌ها عامل به مسائل و احکام دینی باشد و پیش شرط عامل بودن والدین، باور قلبی آنها به آموزه‌های الهی است. در تعالیم دینی آمده است که در یک مورد اجازه‌ی ریا داریم، آن هم هنگام آموزش اخلاق به فرزندانمان است، یعنی انجام اعمال دینی در معرض دید کودک باشد تا او نیز به آن سمت و سو تشویق شود، مانند خواندن نماز در کنار فرزند و یا کمک به نیازمندان توسط کودک. از همین رو به دیگران نیز توصیه شده است که در طول

زندگی، دیگران را با رفتار خود به دین دعوت کنند. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «کونوا دُعاهای لِلنَّاسِ به غیر اَلسَّيِّئَاتِ، [۳] یعنی مردم را با روشی غیر زبانتان، به سوی خدا بخوانید».

چنانچه فرزند ما بر خلاف آموزه‌های دینی رفتار می‌کند، باید علت را در خودمان جستجو کنیم و ببینیم کجا اشتباه کرده‌ایم؟ اگر والدین معتقد نباشند که نماز، کلید رستگاری و خوشبختی آدمی است، در نتیجه برای آموزش نماز به فرزندان نیز وقت نمی‌گذارند. کودک باید دین را که در روان‌شناسی، یک اصل مهم تربیتی به شمار می‌آید. هنگام نماز، پدر و مادر هر دو باید به نماز بایستند. اگر مادر به نماز بایستد، ولی پدر مشغول کار دیگری باشد، بچه با خود می‌گوید: گویا نماز خیلی مهم نیست، چون پدر نخواند و طوری هم نشد! حتی مادر در ایام عذر شرعی، می‌تواند بر سر سجاده بنشیند و مشغول ذکر و دعا باشد و یا فرزند به مسجد و ... برده شود. نقل می‌کنند که فردی در مراجعه به منزل یکی از آشنایان خود، از فرزندش سراغ او را می‌گیرد. او در جواب می‌گوید: پدرم کار دارد. آن فرد می‌پرسد: مشغول نماز خواندن است؟ کودک پاسخ می‌دهد: نه، پدرم اصلاً نماز نمی‌خواند! چند لحظه بعد، پدرش می‌آید. آن شخص با تعجب می‌گوید: پسر تو نماز نمی‌خوانی! او با خنده می‌گوید: درست است، چون نماز خواندن مرا ندیده است. صبح زود که همه خواب هستند، من به مسجد می‌روم و نماز می‌خوانم. ظهر هم سرکار هستم و همان جا نماز می‌خوانم. غروب هم برای نماز به مسجد می‌روم. از این داستان می‌توان دریافت که اگر فرزندان، نماز خواندن بزرگ‌ترها را نبینند به نماز تشویق نمی‌شوند. در چنین مواردی گاهی لازم است که والدین نمازشان را در خانه بخوانند و یا فرزندشان را با خود به مسجد ببرند. در واقع آنچه که به کوچک‌ترها درس می‌دهد، «رفتار» بزرگ‌ترهاست، نه «گفتار» آن‌ها. اما به راستی آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که تا چه اندازه به ارزش‌های اسلامی و اعتقادات باور داریم که بخواهیم آن‌ها را به فرزندان خود منتقل کنیم؟! بدانیم اگر در حضور فرزندان خود کتاب زندگی یعنی قرآن را مطالعه نکنیم، کودک نیز در آینده این کار را نمی‌کند. اگر قرآن به دست گرفتن فقط به سفره‌ی عقد و مجلس ختم خلاص شود، هیچ اثری نخواهد داشت. یک نمونه از این بی‌توجهی، این است که وقتی دانشجوی ما کتاب قرآن را باز می‌کند، یاسین را «پس» می‌خواند! بنابراین باور قلبی والدین به مفاهیم دینی، بسیار مهم است. [۴]

روشهای تربیت

مقصود از روشها، فنون، شیوه‌ها و دستور العملهای جزئی است که اهداف آموزش را به ثمر می‌رسانند. برخی از این روشها عبارتند از:

۱- روش غیر مستقیم

نتایج استفاده از روشهای غیر مستقیم بسیار مفیدتر از روش مستقیم است چرا که در روش مستقیم تذکرات زیاد و متوالی سبب لجاجت و مقاومت منفی می‌شود و بیان ایرادات و نصایح، احساسات کودک را جریحه دار می‌کند. علاوه بر این احساس غرور، خودخواهی و احساس خفت ناشی از پذیرش خطا سبب مقاومت روحی فراگیر می‌شود [۵]. روش الگویی، روش استفاده از مثال، قصه گوئی، یادآوری نعمات الهی، نمایشی از جمله روشهای غیر مستقیم هستند. در سیره بزرگانی چون آیت‌الله ... بهجت نیز روش غیر مستقیم بسیار دیده می‌شود. ایشان هیچ‌گاه به طور مستقیم به شخص نمی‌فرمایند این کار را بکن یا نه. بلکه در ضمن داستان یا حدیثی قصور و اشتباه اطرافیان را گوشزد می‌نمایند [۶].

۲- استفاده از روشهای فعال

در این روش مشارکت کودکان مد نظر است و مزیت آن تأثیر عمقی آن است، فعالیت گروهی بچه‌ها، واگذاری مسئولیت به ایشان، وضع قوانین توسط آنها و نظارت و قضاوتشان در مورد افراد خاطی از موارد مهم و موثر است. [۷]

۳- روش تربیت تلقینی

تلقین مثبت به خود و دیگران از روشهای مورد استفاده در تربیت اسلامی است، حضرت امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: یکی از چیزهایی که برای انسان مفید است تلقین است ... یک مطلبی که باید در نفس انسان تأثیر بکند با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می‌کند به همین جهت اگر استفاده از روش تلقین در تعلم و تربیت به صورت منفی و تحمیل نباشد بلکه به شیوه مثبت، آگاهانه و آزادانه انجام پذیرد بسیار مطلوب و موثر خواهد بود [۸]

۴. مفهوم دین

در سالهای اول دبستان از پرداختن به معنا و مفهوم واژه دین باید اجتناب کرد زیرا کودکان در این دوره علاقه ای به طرح این مباحث ندارند و فقط باید به تعریف ساده ای بسنده کرد [۹].

۵. مفهوم دعا

در مورد دعا باید چند نکته را در نظر داشت: دعاها باید متناسب با سن و حوزه درک کودک باشد تا لذت بیشتری ببرد. همچون دعا‌های کوتاه و دسته جمعی مثل سرود و مناجات که در روح کودکان موثر است. دیگر اینکه دعاها هر چند وقت یکبار عوض شوند تا تازگی و تأثیر داشته باشند. در ضمن باید عوامل عدم استجاب دعا را برای کودکان بیان کرد تا شبهه ایجاد نشود که چرا دعایشان مستجاب نمی شود [۱۰].

۶. مفهوم نماز

زمینه نماز در روح پاک کودکان و فطرت سلیم آنها موجود است و باید آن را باور کنیم. از سنین نخست دبستان باید کودکان را به تدریج با نماز آشنا کرد و آنها را به گزاردن نماز تشویق و ترغیب نمود. قبل از تعلیم باید مفهوم خدا و دعا برای کودک تبیین شده باشد و علت نماز خواندن را نیز بداند برای این کار می توان از آموزشهای ساده استفاده کرد البته پرداختن به آموزش برخی دیگر از مفاهیم دینی شیوه های خاص خود را دارند که باید از نظم خاصی برخوردار باشند. آموزش اصول دین و دلایل ساده ای برای آنها، پرداختن به خداشناسی، معاد، وقوع و ضرورت آن، نبوت و نیاز انسان به آن از مسائل مهم علاقه مند کردن کودک به خدا و پیامبران و امامان است. [۱۱]

۷. احترام در تربیت فرزند

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «فرزند شایسته، دسته گلی از جانب خداوند است که میان بندگان قسمت می کند.» [۱۲] برای رسیدن به چنین موهبت عظیمی، شایسته است که والدین با آگاهی تمام با تربیت صحیح کودکان، راه را برای رسیدن به چنین مرحله ای بکشایند. مهم ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندشان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی هایش خفیف و خوار جلوه ندهند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «همان گونه که فرزند نباید به والدین خود بی احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی احترامی نمایند.» [۱۳] احترام به حقوق فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان از اهمیت بسزائی برخوردار است، زیرا که دارای حقوق اجتماعی، آنان می آموزد که در آینده فردی عدالت خواه تربیت شوند. بدین جهت لازم است والدین در میان آنها به عدالت رفتار نمایند تا این خصیصه در رفتار آینده آنان جلوه گر شود. آن بزرگوار در کلامی دیگر می فرماید: «میان فرزندان خود در عطا و بخشش به عدالت رفتار کنید، همچنان که دوست دارید آنان نیز، در احترام و محبت، میان شما عادلانه عمل کنند.» [۱۴]

بزرگان، دوران نونهالی را آغاز آموزش دینی می دانند. در روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده است که خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: «فرزندم، قبل از این که دل نرم تو سخت، و فکر مشغول شود، من به تربیت تو اقدام کردم» [۱] در نگاه دینی، برای داشتن فرزند سالم و صالح، علاوه بر انتخاب همسری اصیل و دین دار، رعایت مسائلی مانند زمان و چگونگی آمیزش و نیز دقت در تغذیه حلال و مناسب در دوران بارداری و شیردهی ضروری است. بخشی از سلامتی و بیماری، زشتی و زیبایی، خوش خلقی و بد خلقی، و باهوشی و کودنی فرزندان، به تغذیه پدر و مادر در آنها قبل از انعقاد نطفه و دوران جنینی مربوط می شود، به عنوان نمونه از رسول اکرم (ص) نقل شده است که شیر، پایه و اساس تربیت است، چرا که صفات زن را به طفل منتقل می کند. [۲] زمان شروع تربیت دینی از دوران نونهالی است، چرا که فطرت خداجوی کودک هنوز دست نخورده است و این، کار مربی را بسیار آسان می کند. حضرت علی (ع) می فرماید: «آنچه را فرد در کودکی می آموزد، مانند نقشی است که روی سنگ حک می شود» [۳] یا اینکه می فرماید: «قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری را در آن بریزند، رشد خواهد کرد» [۴] اذان و اقامه که در بدو تولد در گوش نوزاد طنین انداز می شود، در واقع عصاره ای از آموزه های دینی - الهی است که در ضمیر ناخودآگاه او تأثیر خواهد داشت، لذا بر انجام این کار بسیار تأکید شده است. بسیاری از ما نیز

خاطرات تلخ و شیرین از دوران طفولیت و کودکی خود در ذهن داریم و این امر نشان دهنده‌ی تأثیر پذیری در دوران کودکی است. [۵]

۸- تربیت دینی

مراد ما از تربیت دینی محدوده خاصی است، هر چند تربیت دینی به یک معنا بسیار عام و گسترده است و شامل همه ابعاد وجودی انسان می‌گردد اما در اینجا، مراد از تربیت دینی، مقابل تربیت اخلاقی، اجتماعی و سایر ابعاد است و عمدتاً حوزه مربوط به عقاید و احکام عبادی از دین را شامل می‌گردد. تربیت دینی به این معنادر سیره تربیتی امام علی (ع) از اهمیت خاصی برخوردار است [۶] و در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- نماز

یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی و بلکه مهمترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات، نماز است. نماز بزرگترین فریضه الهی و بیش درآمد قبولی سایر اعمال و عبادات است. علی (ع) در طول عمر با برکتشان زیباترین جلوه‌ها را در نماز به نمایش گذاشتند، او در حالت جنگ و صلح، بیماری و سلامت، در خانه و مزرعه، برمسند حکومت و خانه نشینی ۲۵ ساله و در همه حالات و شرائط، نماز مهمترین عمل او بود و فرزندان خود را بدان سفارش می‌نمود [۷].

در وصیتی به امام حسن (ع) و تمامی خانواده و فرزندان آنها را به نماز سفارش کرده می‌فرماید: «از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره نماز زیرا که نماز بهترین کارها و ستون دین شماس است» [۸] او نه تنها خود و فرزندان به نماز اهمیت می‌دادند که همه پیروان و شیعیان خود را به تعلیم نماز به فرزندان و سعی در تشویق آنان به مداومت بر آن، فرا خوانده‌اند. آن حضرت فرمود: «علموا صیسانکم الصلوه و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم» «در کودکی به فرزندان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وادارید». [۹] فریضه نماز در تربیت دینی چنان مهم است که حتی در پیش از بلوغ، تنبیه مختصر فرزند به خاطر ترک آن، روا دانسته شده است. علی (ع) خطاب به یکی از اصحاب فرمود: «کودکان اهل خانه ات را با زبان به نماز و طهارت تادیت نما و وقتی به سن ده سالگی رسیدند، آنان را بر ترک آن، تنبیه بدنی نما ولی از سه بار بیشتر تجاوز نکند». [۱۰] نکته قابل توجهی که در این دو حدیث وجود دارد، توجه حضرت به مراحل تربیت و نیز روش آشنا نمودن فرزندان با نماز و اقامه آن است، زیرا در مورد نماز بین دوره کودکی و بلوغ فرق گذاشته‌اند، در دوره کودکی تا قبل از ده سالگی فقط سفارش به آموزش و تعلیم نماز نموده‌اند و تنها به اقدام زبانی و سفارش کلامی اکتفا نموده‌اند، در این مرحله تأکید بر آمادگی و زمینه سازی برای اقامه نماز شده است. اما در سن ده سالگی هر چند هنوز به حد بلوغ نرسیده اما بعزت رشد مناسب کودک در این سن و تا حدودی رسیدن به سن تمییز و تشخیص، تأکید عملی بر اقامه نماز است و آنگاه که به سن بلوغ رسیدند تأکید بر واداشتن آنها به نماز و ترک نکردن آن است [۱۱].

۲- آموزش قرآن

قرآن کتاب آسمانی و مهمترین منبع اسلامی است، قرآن سرچشمه معارف الهی است و در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد. علی (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن (ع) بعد از آنکه براهمیت تربیت و تسریع در آن تأکید می‌نمایند، نخستین اقدام خود را تعلیم و آموزش قرآن و معارف و احکام حلال و حرام آن بیان می‌کند: «... وان ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تاویلہ و شرایع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه لا اجاوز ذالک بک الی غیره...»، «نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تاویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم». [۱۲] همچنین آن حضرت در توصیه به فرزندش محمدبن حنیفه، فرمود: «... بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آنچه در آن است و اینکه به مقررات و دستورات حلال و حرام آن و امر و نهی آن پایبند باشی. همچنین خواندن قرآن را در شب و روز و هنگام تهجد بر خود لازم بدانی چرا که قرآن عهدنامه‌ای است از سوی خداوند تبارک و تعالی به خلق خود، پس واجب است بر هر مسلمانی که در هر روز به عهدنامه خود بنگرد ولو پنجاه آیه باشد». [۱۳]

۳- تعلیم دعا

در تربیت دینی، دعا و درخواست از خداوند جایگاه ویژه ای دارد. دعا ابزاری است که بنده را به خالق پیوند می دهد و از طریق آن، نیازهای فردی و درونی خویش را با خداوند قادر متعال در میان می گذارد و در پرتو آن به سکون و آرامش نایل می آید. علی (ع) در سیره تربیتی خویش به عنصر دعا اهمیت زیادی قائل شده اند. آن حضرت هم دعاهایی را به فرزندان خود تعلیم می دادند و هم آنان را بر مداومت بر آن توصیه می نمودند. امام حسین (ع) می فرماید: «پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و بزرگداشت آن توصیه نمودند و سفارش کردند که در هنگام وفاتشان آن را برکفشان بنویسم و آن را به خانواده ام تعلیم دهم و آنان را بر خواندن آن برانگیزانم.» [۱۴]

هر چند در روایات برای دعا اوقات خاصی بیشتر مورد تاکید قرار گرفته و برخی دعاهای خاص در اوقات خاص وارد شده، اما علی (ع) در سیره تربیتی خود هر فرصت مناسب را مغتنم شمرده و به تعلیم دعا به فرزندان پرداخته، برای نمونه در هنگام غذا خوردن فرزندش امام مجتبی (ع) را به دعایی همیشگی سفارش نموده و در ضمن آن به نقش تغذیه و سلامتی جسمانی برای انجام عبادات و نیز وسیله بودن غذا برای توان عبادت بیشتر، اشاره می نماید. آن حضرت فرمود: «فرزندم! هیچ لقمه سرد یا گرمی را مخور و هیچ شربت یا جرعه آبی را منوش الا اینکه قبل از خوردن و آشامیدن، این دعا را بخوانی «اللهم انی استلک فی اکلک و شربی السلامه من وعکة والقوه به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما بقیته فی بدنی و ان تشجعنی بقوته علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک .» [۱۵] امام علی (ع) به دلیل اهمیت دعا و نقش آن در تربیت دینی، نه تنها در طول زندگی خویش به فرزندان خود تعلیم دعا می نمودند بلکه در واپسین لحظات عمر خویش و در هنگام احتضار نیز از این امر غافل نبودند، چنانکه در همان حالت حساس احتضار به فرزند خویش امام حسن (ع) دعایی را تعلیم نموده اند [۲]

۴ - آشنایی با علوم اهلبیت (علیهم السلام)

آشنا نمودن فرزندان با علوم اهلبیت (علیهم السلام) و سخنان و عقاید مربوط به آنان، از جمله عناصر مهم تربیت دینی در فرهنگ شیعی و علوی است. بر والدین ضروری است که ضمن آشنا نمودن اجمالی آنان با مذاهب اسلامی عقاید حقه شیعه را به آنان تعلیم دهند و بذریع محبت اهل بیت (علیهم السلام) را در دل‌های آنان بیفشانند و آنان را با معارف غنی، متقن و روشنگر اهلبیت (علیهم السلام) آشنا نمایند. تعلیم معارف و محاسن دانش ناب اهلبیت (علیهم السلام) به فرزندان آنها را در حریم امن عقیده قرار داده و از آثار شوم هجوم عقاید و اندیشه های ناپاک مصون می دارد. مرحوم صدوق با سند خود در حدیث چهارصدگانه از علی (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: «علموا صبیانکم من علمنا ما ینفعهم الله به لا تغلب علیهم المرجئه براء بها»، «به کودکان خود آن مقدار از دانش ما که به حال آنان مفید است، تعلیم دهید تا اندیشه و نظر مرجئه^۱ بر آنان غالب نگردد.» [۳]

۵- رعایت آداب و سنن اسلامی در هنگام تولد فرزند

در سیره تربیتی معصومین (علیهم السلام) از لحظه تولد نوزاد، فعالیت‌های تربیتی آغاز می گردد و با اینکه نوزاد توان بالفعل درک اشیاء و اعمال را ندارد اما در عین حال انجام برخی آداب و مراسم برای تربیت صحیح او در آینده موثر است، از این رو علی (ع) در ضمن حدیث چهارصدگانه خود به اصحابش، آنان را به انجام این آداب در هنگام ولادت فرزندانشان توصیه نموده اند: «... در روز هفتم برای فرزندانان عقیقه نمایید و به مقدار وزن موهای سر فرزندانان نقره صدقه دهید. رسول خدا (ص) نسبت به حسن و حسین و سایر فرزندان اینچنین رفتار نمود.» [۴] و در قسمت دیگر حدیث می فرماید: «فرزندان خود را روز هفتم ختنه کنید و گرما و سرما شما را از این کار باز ندارد که این باعث پاکیزگی بدن نوزاد است...» [۵]

^۱ المرجئه فی مقابله الشیعه، من الارزاء بمعنی التأخیر لتأخیرهم علیا (ع) عن مرتبه و قد يطلق فی مقابله الوعیدیه (ر.ک: الکافی، ج ۶، ص ۴۷) و نیز ر.ک:

طریحی، مجمع البحرین ج ۱، ذیل ماده «رجاء».

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که برای دست یابی به تربیت اسلامی کودکان، نباید کودکان و نوجوانان را در معرض انتقاد و ایرادهای فراوان قرار داد و آن ها را به صورت منفی با مذهب و ارزش ها آشنا کرد. شخصیت مذهبی کودک زمانی شکل می گیرد که متناسب با خواسته ها و روحیات و کشش های درونی او رفتار شود و آن در صورتی است که انگیزه های مذهبی به همراه امید و احساس های مثبت به او منتقل شود، نه سخت گیری و انتقاد، چرا که انتقاد زیاد از آن ها در هر زمینه ای که باشد، آنان را به سرکشی وامی دارد و تذکر فراوان، موجب پیدایش لجاجت و مقاومت می شود.

منابع و مأخذ

- [۱] حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۶)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- [۲] حرّانی، ابن شعبه، (۱۳۶۳) تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنتی، تهران، علمیه اسلامیة
- [۳] حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۵) وسائل الشیعه، بیروت، نشر احیاء التراث العربی
- [۴] حسنی، محمد ابراهیم (۱۳۸۷) روش های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه، مجله کوثر، ش ۷۵
- [۵] حسینی مرعشی تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی، قم.
- [۶] حسین آبادی، فریدونی، ح. (۱۳۷۸)، چراغ سلوک، مؤسسه فرهنگی انتشاری دارالارشاد
- [۷] خزاعی نیشابوری (۱۳۶۶) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی
- [۸] خوانساری، جمال الدّین محمد (۱۳۶۶)، شرح غُرُرِ الحِکْم و دُرُرِ الکَلِم، تهران، دانشگاه تهران
- [۹] دانشمند، مهدی (۱۳۸۰ ه ش) ارزش والدین و تربیت فرزند، یاس نبی
- [۱۰] دروزه، محمدعزه (۱۹۶۴ م) عصر النّبی و بیئته قبل البعثه، چ دوم، بیروت، دارالیقظه العربیه
- [۱۱] دستغیب، ع (۱۳۸۳)، صلاه الخاشعین، قم، انتشارات اسلامی،
- [۱۲] دشتی، محمد (۱۳۷۹) نهج البلاغه، ترجمه چاپ اول، انتشارات مومنین
- [۱۳] دشتی، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، قم، انتشارات مشهور
- [۱۴] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۵) روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت